

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب در روستاهای فریدونکنار

منصور وثوقی* احمد محمدی**

تاریخ دریافت: ۱۶ مرداد ۱۳۹۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ اسفند ۱۳۹۱

چکیده

برنج گیاهی است که در شیوه کشت رایج در ایران (غرقابی) در تمام مراحل، به آب فراوان نیاز دارد. اما آب رودخانه‌ها و بارندگی در فصل کشت، پاسخگوی نیاز آن نیست. کمبود آب موجب شد که کشاورزان برای مدیریت منابع موجود و ذخیره‌سازی آب، به حفظ یا ساخت استخرهای آب یا "آبندان" رو آورند. وسعت منابع مذکور در مازندران حدود هفده هزار هکتار است. هر آبندان معمولاً به یک روستا اختصاص دارد و دارای مشترک محسوب می‌شود، اما حقوق مالکیت آن، پیچیده است. سازمان‌های مختلف دولتی و نیز گروه‌های ذینفع، مدعی استفاده و مدیریت آن هستند و از آنجایی که محصولات مختلفی دارد، گروه‌های ذینفع داخل روستا، در مورد استفاده و مدیریت آن اختلاف دارند. از آغاز دهه ۱۳۷۰، این منابع در اغلب روستاها، در چارچوب سیاست‌های دولتی برای پرورش ماهی، به افرادی از داخل یا بیرون روستا اجاره داده شد و کارکرد اصلی آن یعنی آب، با وجود اهمیت در کشت برنج نادیده گرفته شد. در پژوهش حاضر، با استفاده از شاخه‌های مختلف نظریه انتخاب عقلایی مانند نظریه بازی، نظریه کنش جمعی و رویکرد جامعه‌شناختی نظریه بازی تلاش شده است عوامل مؤثر بر مدیریت منابع مذکور و نحوه کنش افراد و گروه‌های اجتماعی تبیین گردد. بر اساس یافته‌های بررسی حاضر، دخالت دولت، تأثیر عوامل اقتصادی - اجتماعی داخلی را کاهش داد، سطح کنش را به حداقل رساند و کنش جمعی را تضعیف کرد.

کلیدواژه‌ها: آبندان، دارای مشترک، مدیریت محلی دارای مشترک، کالای عمومی، نظریه بازی، کنش جمعی.

* استاد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی توسعه روستایی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول). ahmadvishe@yahoo.com

بیان مسأله

ایران در منطقه کم آب قرار داد. متوسط بارندگی سالانه در ایران، ۲۵۰ میلیمتر و در اغلب مناطق، کمتر از این است. بارندگی در مناطق پرباران مانند مازندران و گیلان - مناطق اصلی کشت برنج - نیز متناسب با زمان کشت نیست. مناطق فوق در سه ماه از فصل کشت، با کمبود آب روبرو است. بنابراین، حتی در پرباران‌ترین نواحی کشور نیز ناچار باید از آب زیرزمینی استفاده کرد (احمدیان، ۱۳۸۵). در سال‌های اخیر، به دلیل افزایش جمعیت و رشد تقاضای آب در بخش‌های دیگر و برداشت آب از سرشاخه‌های رودخانه‌های اصلی، منابع آب کشاورزی استان‌های فوق کاهش یافته است.

شیوه کشت برنج در ایران، غرقابی است، در این روش، از مرحله آماده‌سازی زمین تا مدت کوتاهی قبل از برداشت، به آب فراوان نیاز است (یزدانی و همکاران، ۱۳۷۷ و عرب‌زاده، ۱۳۸۰). اما بارش فقط ۱۳/۵ تا ۱۵/۹ درصد از نیاز آب مصرفی انواع گونه‌های برنج را رفع می‌کند (مجرد و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۴). به همین دلیل، کشاورزان برای مدیریت منابع موجود و ذخیره آب، تمهیداتی اتخاذ کرده‌اند. یکی از تمهیدات مذکور، حفظ یا ساخت استخرهای آب یا *آبندان*^۱ بوده است. *آبندان* آبیگری طبیعی یا مصنوعی است که اغلب در بالادست مزارع یک روستا قرار دارد. هر *آبندان*، معمولاً به یک روستا اختصاص دارد و دارایی مشترک محسوب می‌شود، اما حقوق مالکیت آن، پیچیده است. در داخل روستا، حقوق مالکیت *آبندان*، کاملاً مشخص و تعریف شده نیست و سازمان‌های مختلف دولتی نیز مدعی آن هستند. براساس اعلام سایت اینترنتی سازمان شیلات استان مازندران وسعت این منابع، هفده هزار هکتار است که در وضعیت فعلی - با عمق متوسط یک متر (کمالی و مهدیان، ۱۳۸۰) و شیوه مدیریت و استفاده - حدود چهل هزار هکتار از شالیزارهای استان را آبیاری می‌کند. منابع مذکور، کارکردهای مختلفی دارد که عبارت است از: تأمین آب زراعی که مهم‌ترین کارکرد آن است، جمع‌آوری آب‌های زهکشی، مخازن سیل‌گیر، پرورش ماهی‌های گرمابی، شکار پرندگان مهاجر در فصل پاییز و زمستان و چراگاه دام و کارکردهای زیستی و تفریحی. اجتماعات محلی از گذشته برای استفاده از محصولات و تولیدات آن به‌ویژه آب، ماهی و شکار پرندگان، متناسب با نیازها و اولویت‌های خود، سازوکارهایی را شکل داده و از این محصولات استفاده می‌کرده‌اند.

1 Abbandan (Pond)

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

آببندان دارایی مشترک روستا و محصولات آن، کالای عمومی محسوب می‌شود و همه اهالی روستا، بالقوه، حق استفاده و مدیریت آن را دارند. از آغاز دهه ۱۳۷۰، در اغلب روستاهای مازندران آببندان‌ها در چارچوب برنامه‌های دولتی به افرادی از داخل یا خارج از روستا، اجاره داده شد. بر اساس گزارش سازمان شیلات، حدود ده هزار هکتار از این منابع، مشمول این برنامه شد. اجاره‌داران با استفاده از تسهیلات بانکی، آببندان‌ها را لایروبی و تجهیز کردند. در نتیجه، کشاورزان برای استفاده از آب و سایر محصولات، با محدودیت روبرو شدند. زیرا مدیریت نسبتاً منسجمی که قبلاً وجود داشت، تضعیف گردید یا به طور کامل از بین رفت. سرمایه‌گذاران جدید، به دلیل تهدیدی که برداشت آب برای ماهیان ایجاد می‌کرد، در حد امکان، مانع برداشت آب می‌شدند و فقط در شرایط ویژه و با دخالت متنفذان، به برداشت بخشی از آب رضایت می‌دادند. به طور کلی، دسترسی اهالی به این منابع محدود و محدودتر شد. به همین دلیل، در پی کم‌آبی‌های میانه دهه ۷۰، بسیاری از کشاورزان با حفر چاه در مزارع خود، به آبیاری فردی رو آوردند و مدیریت جمعی آببندان‌ها، کمرنگ یا فراموش شد. هدف پژوهش حاضر، پاسخ به پرسش‌های ذیل است: چه عوامل اقتصادی و اجتماعی در نوع مدیریت آببندان‌ها بیشتر تأثیر می‌گذارد؟ مدیریت جمعی آببندان‌ها، در اثر کدام عوامل نادیده گرفته شد یا کمرنگ گردید؟ و نوع کنش ذینفعان در این روند چیست؟

مبانی نظری

مسئله دارایی‌های مشترک، از گذشته مورد توجه اندیشمندان بوده است. ارسطو معتقد بود «چیزی که عده زیادی از مردم در آن مشترک باشند، وقت کمتری درباره آن مبذول خواهد گردید. هر کسی بیشتر از همه، به مال شخصی خود می‌اندیشد و اموال عمومی به ندرت مورد توجه او می‌تواند بود» (دورانت، ۱۳۶۹: ۷۸). به اعتقاد توماس هابز (۱۵۸۸-۱۶۷۶) انسان تلاش می‌کند که نفع خود را به ضرر دیگران افزایش دهد (فروغی، ۱۳۶۷: ۱۲۰-۱۲۳). در مقابل، برخی دیگر معتقدند که انسان‌ها با وجود نفع طلب بودن، در تولید کالا یا خیر عمومی و استفاده از دارایی‌های مشترک، با هم همکاری می‌کنند. هایلبرونر بر آن است که موجود انسانی، بلافاصله بعد از پایین آمدن از درخت، با مسئله ادامه حیات، نه به طور فردی، بلکه به عنوان عضوی از گروه اجتماعی روبرو شده است (هایلبرونر، ۱۳۷۰: ۸). میزس نیز معتقد بود که اکثر افراد «به استثناء گوشه‌نشینانی که ترک دنیا کرده‌اند، همکاری

اجتماعی را بهترین وسیله رسیدن به اهداف خود می‌دانند، اهدافی که برای ارضاء سائقه‌های زیستی، صیانت نفس، حفظ سلامت و تضمین و بقای نوع است». بنابراین، جامعه باید به نحوی سازمان گیرد که افراد بتوانند از طریق همکاری، به اهداف خود برسند (میزس، ۱۳۸۵: ۷). بسیاری از کسانی که مسئله‌دارایی‌های مشترک را بررسی کرده‌اند، نظریه انتخاب عقلایی و شاخه‌های آن را برای تبیین این مسئله مناسب دیده‌اند. به همین دلیل، در سطور بعد، برخی نظریه‌های مذکور را مرور می‌کنیم.

نظریه انتخاب عقلایی: پیش‌فرض نظریه انتخاب عقلایی این است که پدیده‌های اجتماعی، حاصل اعمال آدمیان است و آدمیان نیز فاعلانی هستند که ارزش، اعتقاد، هدف، معنی، امر و نهی و احتیاط و تردید بر افعالشان حاکم است (لیتل، ۱۳۷۳: ۶۲). در نظریه مذکور، اهداف و اعتقادهای افراد اصل قرار می‌گیرد و بر مبنای آن، تحلیلی صوری از تصمیم‌گیری ارائه می‌شود. این مدل یا نظریه در علوم اجتماعی، برنامه پژوهشی میان‌رشته‌ای است که از نظریه اقتصادی نئوکلاسیک ریشه گرفته است (ووس^۱، ۲۰۰۶: ۴۹۲) و می‌خواهد «نشان دهد که اشکال مختلف رفتارهای اجتماعی یا آرایش‌های بادوام اجتماعی، پیامدهای جمعی انتخاب‌های هدفدار جمعی از فاعلان اجتماعی است» (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۳۵). نظریه فوق، شاخه‌های مختلفی دارد که مهم‌ترین و معروف‌ترین آن، نظریه بازی است. در زیر، انواع نظریه بازی، به طور مختصر تشریح می‌شود.

نظریه بازی: نظریه بازی^۲ مجموعه‌ای از ابزارها (مفاهیم، پیشفرض‌ها و تئورم^۳) است که برای فرمول‌بندی و تحلیل رفتار عقلایی در کنش‌های متقابل به کار می‌رود (ورنر^۴، ۲۰۰۶: ۴۱۴). این نظریه بر اساس نظریه انتخاب عقلایی بنیان شده است و پیش‌فرض‌های آن را می‌پذیرد و برای تبیین مسایل مرتبط با کنش جمعی مفید است (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۰؛ اوستروم، ۱۹۹۵: ۳؛ نوردویک رازمونسن و مینزن-دیک، ۱۹۹۵: ۲۰). این نظریه در پی پاسخ به این پرسش است که افراد مختار، تحت چه شرایطی همکاری می‌کنند. در این نظریه، کنشگر که بازیگر خوانده می‌شود، عاقل فرض می‌گردد، وی همواره کنشی را اختیار می‌کند که تا حد ممکن، بیشترین سود را داشته باشد (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۱؛ تراسی و فان اشتنگل^۵، ۲۰۰۲: ۷). پیش‌فرض دیگر این است که منافع فرد، به نوع انتخاب کنشگران دیگر منوط است. بنابراین، شخص تصمیم‌گیرنده عاقل، باید به این حقیقت آگاه باشد که پیامدهای شقوق مختلف

1 Voss

2 Game theory

3 Theorem

4 Werner

5 Turocy and von stengel

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

فرضی که پیش روی وی است، به تصمیم دیگران نیز وابسته است (لیتل، ۱۳۷۳: ۸۱). نظریه فوق، انواع مختلفی دارد. مهم ترین و معروف ترین آن، دوراهی شخص زندانی است. انواع دیگر آن عبارت است از: بازی تضمین، بازی جوجه و بازی دوراهی تکراری شخص زندانی.

دوراهی شخص زندانی^۱: این بازی از اقسام بازی های سرجمع صفر^۲ است، یعنی برد هر یک از بازیگران، برابر با باخت دیگری است. این بازی، دو بازیگر و هر بازیگر دو راهبرد دارد: همکاری و عدم همکاری. همکاری صفر امتیاز و عدم همکاری، سه امتیاز دارد. بنابراین، هر یک از بازیگران، بدون توجه به دیگری، یک راهبرد برتر دارد. این راهبرد، بر اساس اصل نفع طلبی، عدم همکاری است که متضمن بیشترین امتیاز است. اگر هر بازیگر، بدون توجه به راهبرد رقیب و صرفاً بر اساس نفع شخصی خود و با این تصور که بیشترین امتیاز را می برد، راهبرد برتر را انتخاب و از همکاری امتناع کند، نتیجه کاملاً خلاف تصور آن ها خواهد بود. در این صورت، هر نفر یک امتیاز می گیرد. این وضعیت، تناقض^۳ عقلانیت جمعی نامیده می شود؛ یعنی عقلانیت فردی به ضرر عقلانیت جمعی عمل می کند (همان، ۸۸-۸۹). در این بازی فرض می شود که بازیگران از محیط اطراف خود و عملکرد رقیب، اطلاع ندارند و در خلاء تصمیم می گیرند. اما در واقعیت، افراد از محیط خود اطلاع نسبی دارند و تصمیم گیری در خلاء انجام نمی شود.

شکل (۱): بازی دو راهی زندانی

		بازیگر الف
	عدم همکاری	همکاری
بازیگر ب	همکاری	۲/۲
عدم همکاری	۳/۰	۱/۱

توضیح: از راست، عدد اول، امتیاز بازیگر الف و عدد دوم، امتیاز بازیگر ب است.

بازی تضمین^۴: بازی تضمین بازی هماهنگی است (نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۲۱). در این بازی، هر یک از بازیگران تا وقتی به همکاری ادامه می دهد که دیگری همکاری کند و همکاری دوجانبه نسبت به عدم همکاری یک جانبه بهتر نتیجه می دهد. تصور غلط در مورد بازی

1 Prisoner Dilemma
2 Sum - Zero
3 paradox
4 Assurance

مذکور، این است که راهبرد برتر، همکاری است و معما یا دوراهی وجود ندارد. اما در عمل، همکاری، راهبرد برتر نیست؛ اگر بازیگر به این نتیجه برسد که طرف مقابل، همکاری نمی‌کند، راهبرد عدم همکاری را در پیش می‌گیرد. بنابراین، در این بازی دو نقطه تعادل داریم: همکاری دوجانبه که تعادل مطلوب است و عدم همکاری دوجانبه (کولاک، ۱۹۸۸: ۱۸۶ - ۱۸۷). در این بازی، ارتباط میان بازیگران، امکان همکاری یا سازماندهی را افزایش می‌دهد. انتظار دوجانبه و میزان اعتماد بازیگران نسبت به یکدیگر، بر انتخاب راهبرد تأثیر می‌گذارد (نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۲۱).

بازی جوجه^۱: ساختار بازی جوجه، ساده است، در این بازی، حداقل یکی از بازیگران، به همکاری گرایش دارد، صرفاً به این دلیل که هر دو می‌خواهند از انتخاب راهبرد برتر - عدم همکاری، که از نظر هزینه/ فرصت چندان مطلوب نیست - اجتناب کنند. هر یک همکاری را بر عدم همکاری ترجیح می‌دهد، اما در صورت همکاری دیگری، انگیزه عدم همکاری تقویت می‌شود. در نتیجه، در اغلب موارد، همکاری دوجانبه شکل نمی‌گیرد (نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک^۲، ۱۹۹۵: ۲۱).

دوراهی تکراری شخص زندانی: مبادله‌های اجتماعی، از انواع بازی‌های تکراری^۳ است که پایانی ندارد. در این بازی که ساختار آن، شبیه ساختار دوراهی شخص زندانی است که به دفعات تکرار می‌شود، بازیگران با این امید همکاری می‌کنند که همکاری آن‌ها، به ایجاد انگیزه همکاری بیشتر در آینده بینجامد (واریان، ۱۳۸۰: ۵۱۱). رابرت اکسلرود^۴ از بررسی‌های خود نتیجه گرفت که در بازی دوراهی زندانی، راهبرد برتر، عدم همکاری است، اما در بازی‌های تکراری، فرد اول بار همکاری می‌کند، اما دفعه‌های بعد، فقط در صورتی همکاری می‌کند که رقیب قبلاً همکاری کرده باشد (واریان، ۱۳۸۰: ۵۱۲؛ میکلسون، ۲۰۰۵: ۱۵). یعنی افراد راهبرد "تلافی جویانه"^۵ را اتخاذ می‌کنند و مقابله به مثل می‌کنند. بنابراین، اگر همکاری شروع شود، تداوم می‌یابد.

معمای کالای عمومی: وقتی کالای عمومی، تولید شد، همه -چه آنهایی که در تولید آن مشارکت داشتند و چه آنهایی که همکاری نداشتند- می‌توانند آن را مورد استفاده قرار دهند. بنابراین، کالای عمومی، منع‌ناپذیر^۶ است، در نتیجه، افراد وسوسه می‌شوند بدون مشارکت در تولید یا نگهداری

1 Chicken game
2 Nordvig, Rasmunssen and meinzen- dick
3 Repeated game
4 Axelrod
5 Tit-for-tat
6 Non-excludable

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

آن، به استفاده از آن بپردازند. افراد مذکور، مفت‌بر^۱ (آنکه رایگان و بدون رنج و زحمت چیزی را می‌برد) نامیده می‌شوند. هر چند که مفت‌بری از نظر فردی عقلایی است، اما اگر همه اینطور عمل کنند، کالایی تولید نمی‌شود و در نتیجه، همه متضرر می‌شوند. دلایل مختلفی برای امتناع از مشارکت وجود دارد. دو دلیل مهم وجود دارد، حرص که ناشی از خودخواهی است و ترس از کودن^۲ تلقی شدن در گروه (کولاک، ۱۹۹۸: ۱۸۹). کالای عمومی از نظرقابت آفرین نبودن^۳ نیز از یکدیگر تفکیک می‌شود. این ویژگی بیانگر این موضوع است که استفاده یک نفر از آن، دسترسی دیگران به آن را محدود نمی‌کند (کولاک، ۱۹۹۸: ۱۸۹).

نمونه‌هایی از کاربرد نظریه‌های انتخاب عقلایی و بازی

تراژدی مشاع‌ها: کاربرد کلاسیک دورراهی شخص زندانی در اثر هاردین^۴ (۱۹۶۸) با عنوان تراژدی مشاع‌ها^۵ مشاهده می‌شود. وی مرتعی را در نظر گرفت که به روی همه باز^۶ است، یعنی دسترسی و استفاده از آن، برای تمام افراد جامعه مورد نظر، اعم از عضو و غیرعضو آزاد است و هیچ قاعده و مقرراتی، نحوه استفاده و بهره‌برداری از آن را مشخص و محدود نمی‌کند. این مرتع، به عنوان منبعی با توانایی تولیدی محدود، از یک سو مورد استفاده بیش از حد قرار می‌گیرد، چون هر یک از بهره‌برداران در مقام فاعلان عاقل تلاش می‌کنند تعداد بیشتری از دام خود را در مرتع چرای دهند، و از منافع آن برخوردار شوند. در ضمن، از آنجایی که در این مرتع، اصلاً یا به اندازه کافی سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود، توانایی بازتولید آن، به مرور زمان از بین می‌رود و فرسایش می‌یابد (هاردین، ۱۹۶۸ و استروم^۷، ۱۹۹۵: ۲). وی استدلال کرد که افراد قادر به مدیریت منابع مشترک نیستند، بنابراین، پیشنهاد کرد که منبع مشترک یا بین اعضا تقسیم شود یا به دولت واگذار گردد. برخی پژوهشگران نظر هاردین را درباره این موضوع مورد انتقاد قرار دادند. یکی از آن‌ها الینور استروم است. وی در کتاب تأثیرگذار خود به نام "مدیریت مشاع‌ها"، هر چند نظریه هاردین را به طور کامل رد نکرد، اما معتقد بود که آن را نمی‌توان به همه مشاع‌ها تعمیم داد. در اغلب موارد، افراد عاقل قادر به مدیریت مشاع‌ها هستند، مگر

1 free - rider

2 sucker

3 Non- rival

4 Hardin

5 Tragedy of commons

6 Open to all or Open access

7 Ostrom

اینکه منبع مشاع، بسیار بزرگ باشد؛ ذینفعان با هم ارتباط نداشته باشند؛ افراد به طور مستقل عمل کنند؛ و هزینه تغییر شرایط، بسیار زیاد باشد (استروم، ۱۹۹۵: ۱۸۲).

منطق کنش جمعی: اولسون^۱ در اثر خود با عنوان "منطق کنش جمعی" این ایده پذیرفته شده را «که انسان‌ها برای نیل به اهداف خود، به سازمان‌دهی می‌پردازند و در داخل سازمان، برای تحقق اهداف جمعی تلاش می‌کنند» (هوارد^۲، ۲۰۰۲: ۱) رد کرده است. به اعتقاد وی، اغلب افراد، به دنبال منافع گروهی نمی‌روند. استدلال وی این است که گروه متشکل از افراد عاقلی است که هر یک به تنهایی عمل می‌کنند و در پی افزایش منافع شخصی خود هستند. بنابراین، آنها سعی می‌کنند با طفیلی‌گری از قبل تلاش دیگران استفاده کنند، یعنی سواری مجانی بگیرند. هر چه گروه بزرگ‌تر باشد، تحقق منافع جمعی دشوارتر است (هوارد، ۲۰۰۲: ۲؛ لیتل، ۱۳۷۳: ۹۲؛ اوستروم ۱۹۹۵: ۶).

نظریه انگیزه‌های هنجاری: مبنای کار نظریه پردازان متأخر انتخاب عقلایی، به ویژه جامعه‌شناسان، پژوهش اولسون است. جیمز کلنن در بحث درباره کنش جمعی، بر انگیزه‌های هنجاری^۳ تأکید کرده است. به اعتقاد وی، هنجارها و نظم و مقررات اجتماعی در کنار و همزمان با اصل بنیادی کنش، بر تصمیم‌گیری‌های افراد تأثیر می‌گذارد. این طرز نگرش موجب می‌شود که فرایندهای مهم در نظام‌های اجتماعی نیز وارد نظریه بازی شود (کلنن، ۱۳۷۷: ۳۶۸). هنجارها یکی از انگیزه‌های مهم برای عمل است. برای پیدایش هنجاری، باید تقاضا برای هنجار و نیز نیروی لازم برای اعمال آن وجود داشته باشد. کارکرد هنجارهای اجتماعی، کاهش "هزینه اجتماعی"^۴ یا هزینه "پیامدهای جانبی منفی"^۵ در کنش‌های متقابل است (کلنن، ۱۳۷۷: ۳۶۸).

نظریه جمع دوراندیش: الیور و مارول^۶ به بررسی تأثیر اندازه گروه بر کنش جمعی پرداخته‌اند. آن‌ها با انتقاد از اولسون و جامعه‌شناسانی که بزرگی گروه را عامل بازدارنده کنش جمعی و همکاری دانسته‌اند، ادعا کرده‌اند که واقعیات موجود، خلاف آن را ثابت می‌کند (الیور و مارول، ۱۹۸۸: ۱). در یک گروه، لازم نیست که تمام افراد در کنش جمعی مشارکت کنند. در واقع، چنین کاری عملاً نیز ممکن نیست. فقط بخش کوچکی از اعضای گروه یا توده دوراندیش، آن را متقبل می‌شوند (الیور و

1 Olson
2 Howard
3 Normative motivation
4 Social cost
5 Negative Externality
6 Critical mass
7 Oliver and Marwell

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

مارول، ۱۹۸۸: ۴). این گروه کوچک یا شبه‌گروه، توانایی و امکانات لازم را برای تولید کالای جمعی دارد. در یک گروه بزرگ، اما نامتجانس گروه کوچکی از افراد وجود دارد. در این نظریه، دو مسئله مهم و مرتبط وجود دارد. اول، وجود امکانات (منابع) در گروه است. فرض می‌شود که امکانات بالقوه (اعم از امکانات مادی یا نیروی انسانی) در گروه‌های بزرگ‌تر، بیشتر است. دوم اثربخشی، یعنی توانایی گروه یا بخشی از آن، در به فعل درآوردن امکانات بالقوه است.

چارچوب نظری

مدیریت دارایی جمعی، به معنی حل مسائل دوراهی‌های جمعی است. اغلب کسانی که مسائلی مانند "تراژدی مشاع‌ها"، "مشکلات کنش جمعی"، "دوراهی شخص زندانی"، "منابع بی‌باعث و بانی" و "منابع دارایی مشترک" را بررسی می‌کنند، به ارائه تصویری از افراد تنها می‌پردازند، افرادی که دارایی‌ها در فرایند تغییرات برگشت‌ناپذیر و انعطاف‌ناپذیری درگیر شده‌اند که (اوستروم، ۱۹۹۵: ۸). افراد مذکور تلاش می‌کنند به هر نحو ممکن، دارایی‌های خود را حفظ کنند. موفقیت یا عدم موفقیت گروه‌های محلی در مدیریت دارایی مشترک، تحت تأثیر مستقیم نحوه کنش و مشارکت ذینفعان و توانایی آن‌ها در سازماندهی است. افراد مذکور، خود تحت تأثیر عواملی مانند خصوصیات منابع، خصوصیات جامعه‌شناختی گروه و نیز عوامل خارجی قرار دارند. به اعتقاد نوردویک رازمونس و مینزن - دیک مدیریت منابع طبیعی، فرایندی است که در آن، سازمان محلی، هسته مرکزی کنش متقابل است. آن‌ها چارچوب مفهومی کلی زیر را برای بررسی عوامل مؤثر در مدیریت منابع طبیعی پیشنهاد کرده‌اند (نوردویک رازمونس و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۵). ستاد مرکزی طرح مدیریت تلفیقی ماهیگیری، مستقر در مرکز بین‌المللی مدیریت منابع آب (م. ب. م. آ)^۱ نیز این چارچوب را تأیید کرده است (م. ب. م. آ، ۱۹۹۶: ۱۵-۱۸)

خصوصیات فیزیکی و فنی (روش بهره برداری از منابع): درجه انحصارپذیری^۲ (توانایی در ایجاد مانع در برابر افراد غیرعضو) و کاهش‌پذیری^۳ محصولات منبع، بر نحوه کنش افراد مؤثر است (رازمونس و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۱۱؛ ادھیکاری، ۲۰۰۱: ۶؛ ماخانی، ۲۰۰۲: ۲). مشخص بودن کامل

1 Fisheries Co-Management Project core staff at the international center for living aquatic resources management

2 Excludability

3 Sub tractability

حدود و ثغور (انحصارپذیری) منبع به لحاظ فیزیکی، زیست‌شناختی و اجتماعی، برای موفقیت مدیریت جمعی دارایی‌های مشترک لازم است (ادهیکاری، ۲۰۰۱: ۷). اگر منبع بر اقتصاد خانواده‌ها مؤثر باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد (رامولد و همکاری، ۱۹۹۶: ۲۲). اسوالو، وانجیلا، مولاتو، اوکلو و مک کارتی^۱ (۱۹۹۷) منابع طبیعی دارای چند کارکرد یا تولید را بررسی کردند. آنها نتیجه گرفتند که ذینفعان در مقام کارگزاران اقتصادی، بر اساس علایق و انتظارات و اولویت‌هایشان تقسیم می‌شوند و هر یک از گروه‌ها، برای نیل به اهداف خود تلاش می‌کنند. تعدد گروه‌های ذینفع علاقمند به محصولات مختلف، موجب پیچیدگی مدیریت منبع می‌گردد. روح دهقانی، آن دسته از پدیده‌های روانی را شامل می‌شود که خصیصه آن، بی‌واسطه‌گی^۲، یعنی روابط مستقیم با طبیعت، روابط مستقیم میان اشخاص با حداقل واسطه، انتقال شفاهی اطلاعات کسب شده، غلبه امر محسوس و صورت ذهنی و حرکات بدنی بر مفهوم کلی و غیره است (لوفوبر، ۱۳۶۹: ۱۳۵). بر همین اساس، می‌توان استدلال کرد که نوع ارتباط روزمره با دارایی مشترک، در ایجاد علاقه یا حس مالکیت و در نتیجه، تلاش برای مشارکت در مدیریت آن مؤثر است.

خصوصیات اجتماعی گروه ذینفع: این مقوله، بیانگر خصوصیات جامعه‌شناختی گروه ذینفع است. خواست و انتظار افراد از منبع، میزان وابستگی و آگاهی به آن، عامل بسیار مهمی است و موجب افزایش انگیزه گروه برای مدیریت منبع می‌شود (رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۱۲). اگر افراد از منبع اطلاع کافی داشته باشند، اما فاقد اهداف مشترکی باشند، هماهنگ کردن آن‌ها بسیار مشکل است (پوتیت و اوستروم، ۲۰۰۳: ۱). اگر گروه ذینفع، به خوبی تعریف شده باشد و افرادی که از حق بهره‌برداری برخوردار هستند، از سایرین تفکیک شده باشند و حقوق و مسئولیت اعضا نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به منبع، بر اساس قواعد و مقررات ضمنی یا صریح مشخص شده باشد، مدیریت آن آسان‌تر است (ادهیکاری، ۲۰۰۱: ۸). اندازه گروه یا تعداد ذینفعان، عامل مهمی است. برخی استدلال می‌کنند وقتی گروه کوچک باشد، خرده‌گروه‌های کمتری در داخل آن شکل می‌گیرد و نظارت بر اعضای گروه نیز آسان‌تر است (وثوقی و نیک‌خلق، ۱۳۷۳: ۲۰۵). بر عکس، برخی بزرگی گروه را

1 Swallow, Wangila, Mulatu, Okello, McCarthy

2 Immediate

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

مناسب‌تر می‌دانند. وقتی نیاز به سرمایه‌گذاری باشد، بزرگی گروه، امتیاز محسوب می‌شود (باندیرا، بارنکی و راسل^۱، ۲۰۰۵: ۹-۱۰).

عامل مهم دیگر، تجانس گروه است. به اعتقاد راسل هاردین، مهم‌تر از ابعاد گروه «نسبت دخل به خرج و دامنه قشربندی در گروه»، یعنی تجانس گروه است (لیتل، ۱۳۷۳: ۹۶). باندیرا و همکاران معتقدند که افراد با گروه‌های غیرخودی همکاری نمی‌کنند و به دشواری باور می‌کنند که منافع شخصی آن‌ها، از طریق کنش جمعی با دیگران حاصل می‌شود. افزایش نابرابری، موجب ظهور هویت‌های گروهی در داخل گروه می‌شود که بر همکاری تأثیر منفی دارد (باندیرا و همکاران، ۲۰۰۵: ۷ و ۹). برخی دیگر معتقدند که تشابه گروهی در مقایسه با عوامل اقتصادی، کم‌اهمیت‌تر است. دسترسی به بازار، موجب می‌شود که افراد تفاوت‌های نژادی و فرهنگی را کنار بگذارند و به یکدیگر اعتماد و با هم همکاری کنند (کاردیناس^۲ و اوستروم، ۲۰۰۴: ۱۲). خویشاوندی بر همکاری و یاریگری تأثیر مثبت دارد (نیک خلق، ۱۳۸۲: ۹۸). صفی‌نژاد یکی از عوامل مؤثر بر حفظ بنه‌ها را بعد از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، خویشاوندی اعضای بنه می‌داند (صفی‌نژاد، ۱۳۶۸: ۴۰۷). وقتی تمام ذینفعان در مدیریت و استفاده از دارایی مشترک، سهم باشند و در خصوص آن، حقوق و مسئولیتی داشته باشند، دارایی مذکور برای آن‌ها جنبه خصوصی می‌یابد. در نتیجه، برای حفظ آن تلاش می‌کنند (ادهیکاری، ۲۰۰۱: ۱۱). در برخی پژوهش‌ها، درباره نقش افراد و گروه‌های ثروتمند و بانفوذ بحث شده است. در پژوهشی در هند، مشخص گردید که اشاعه حفر چاه در میان کشاورزان برنجکار در منطقه موجب شده است که کشاورزان ثروتمند - یعنی کسانی که می‌توانستند از هزینه فرصت مدیریت جمعی استفاده کنند و قدرت رهبری داشتند - پس از حفر چاه و اطمینان از تأمین آب، انگیزه مشارکت را در مدیریت جمعی از دست دهند. کشاورزان فقیر نیز قدرت و تمکن مالی لازم را برای سازماندهی نداشتند، در نتیجه، مدیریت جمعی تضعیف شد (کاجیزا، پالنیسامی و ساکورائی^۳، ۲۰۰۴: ۹-۱۱). در سال‌های اخیر در ادبیات توسعه، مفهوم سرمایه اجتماعی، جایگاه مهمی یافته است. سرمایه اجتماعی، مقوم کنش جمعی محسوب می‌شود. منظور از سرمایه اجتماعی، هنجارها و شبکه‌هایی است که مردم را قادر به کنش جمعی می‌کند (ولکاک و ناردیان، ۱۳۸۴: ۵۳۰).

1 bandira, Baranky, Rasul

2 Cardinace

3 Kajisa, Palanisami, Sakurai

تمهیدات سازمانی و شیوه‌های تصمیم‌گیری: در بررسی سازمان‌های محلی، به تمهیدات نهادی بسیار توجه شده است. تمهیدات مذکور در سه سطح، قابل بررسی است که عبارت است از: قواعد عملی^۱، قواعد انتخاب جمعی^۲ و قواعد اساسی^۳ (نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۱۳-۱۵ و استروم، ۱۹۹۵: ۵۱-۵۲). بهره‌برداری از منبع به طور مستقیم، به سطح اول یا قواعد عملی مربوط می‌شود: در این قواعد افرادی که مجاز به استفاده از منبع هستند؛ باید‌ها و نبایدها، شکل تشویق یا تنبیه و ... مشخص می‌شود؟ در صورتی که قواعد فوق، ساده و منعطف باشد و عدالت و انصاف را موجب شود، امکان سازماندهی محلی افزایش می‌یابد (نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵: ۱۵). سطح دوم - قواعد انتخاب جمعی - به طور مستقیم بر قواعد عملی تأثیر می‌گذارد. قواعد مذکور را رهبران محلی وضع می‌کنند و به نحوه سازماندهی دارایی‌های مشترک مربوط می‌شود. اساس شکل‌گیری کنش جمعی، به سطح سوم یا قواعد اساسی، مانند قوانین مدنی و قوانین اساسی منوط است. این قواعد در حقوق مالکیت نمود می‌یابد.

حقوق مالکیت^۴: حقوق مالکیت دارایی مشترک، به نهادهایی اطلاق می‌شود که روش دسترسی، استفاده و کنترل بر کالا و خدمات حاصل از آن را مشخص می‌کند. حقوق مالکیت، ابزاری است که جامعه به خدمت می‌گیرد تا به فرد کمک کند که به طور منطقی، انتظاراتی را شکل دهد که می‌تواند در ارتباطش با دیگران داشته باشد. به اعتقاد دمستز^۵، حقوق مالکیت ابزاری در دست اجتماع است و اهمیت آن از این واقعیت ناشی می‌شود که «به افراد کمک می‌کند تا در تعامل با دیگران، انتظارات منطقی خود را عملی کنند» (دمستز، ۱۹۶۷: ۳۴۷). نقش و تأثیر حقوق مالکیت در مدیریت منابع، در پژوهش‌های بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. برکز معتقد است که یکی از راه‌های برقراری ارتباط انسان با محیط طبیعی، حقوق مالکیت است. وقتی حقوق مالکیت، کاملاً مشخص باشد، افراد می‌توانند از تأثیر تصمیم‌های خود مطمئن شوند. مهم‌تر از آن، اگر افراد صرفاً استفاده‌کننده نباشند، بلکه مالک منبع مورد نظر نیز باشند، انگیزه کافی برای مدیریت آن خواهند داشت (برکز، ۱۹۹۸: ۴). حقوق مالکیت، نوع رابطه افراد را با محیط اطراف تعیین می‌کند. در نظریه‌های حقوق مالکیت دارایی‌های جمعی، حقوق مالکیت به صورت سلسله‌مراتبی از حقوق محدود تا حقوق کامل است (مینزن-دیک و

1 Operational rules
2 Collective choice rules
3 Constitutional rules
4 Property rights
5 Demsetz

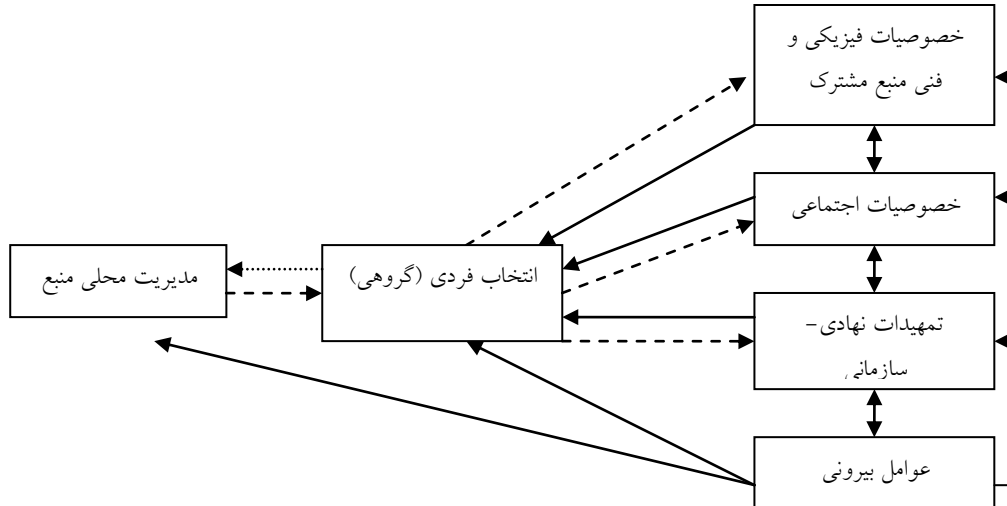
بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

جکسون، ۱۹۹۷: ۳۸ و کلمن، ۱۳۷۷: ۷۷ و (م. ب. م. آ، ۱۹۹۶: ۶): (۱) حق دسترسی^۱، (۲) حق بهره‌برداری^۲، (۳) حق مدیریت^۳، (۴) حق انحصار^۴، (۵) حق واگذاری یا انتقال^۵. بر اساس حق دسترسی، افراد صرفاً اجازه ورود به منبع و خروج از آن را دارند. حق بهره‌برداری به افراد اجازه می‌دهد تا از منافع و محصولات آن استفاده کنند. بر اساس حق مدیریت، افراد می‌توانند مقرراتی را برای نحوه استفاده و بهره‌برداری از منبع وضع کنند. آنها از این طریق می‌توانند حق بهره‌برداری را محدود کنند. حق انحصار به مالکان اجازه می‌دهد که دیگران را از دسترسی به منبع محروم کنند. در نهایت، حق واگذاری به ذینفعان اجازه می‌دهد که حق استفاده از منبع را به افراد یا گروه‌های دیگر واگذار کنند. ممکن است فرد یا گروهی از حق مالکیت برخوردار باشد، اما از یک یا چند حقی که در بالا بیان شد، محروم باشند. برای مثال، گرچه اهالی روستا مالک آبندان محسوب می‌شوند، اما حق فروش آن را ندارند. حتی بدون کسب تکلیف از سازمان‌های دولتی نمی‌توانند آن را اجاره دهند.

عوامل بیرونی: برخی پژوهشگران در بحث درباره مدیریت منابع مشترک، عوامل دیگری غیر از موارد فوق را بررسی کرده‌اند که در اینجا عوامل بیرونی نامیده می‌شود. سازماندهی در سطح محلی، در صورت حمایت مراجع رسمی، آسان‌تر انجام می‌شود. بدین لحاظ، نقش دولت و کارگزاران دولتی اهمیت دارد. نهاد دولت بر منابع مادی و انسانی، تسلط آشکار دارد، بنابراین، نقش بسیار مهمی در توسعه دارد. دولت در حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشورها، به ویژه کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، نقش زیادی دارد و بر همه فعالیت‌ها در حوزه‌های مذکور تأثیر می‌گذارد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۱). دولت می‌تواند با ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت افراد و گروه‌ها، توسعه را تسریع کند و برعکس. رامولد، سندام و وولد^۶ با بیان هزینه‌بر بودن مدیریت این منابع و لزوم سرمایه‌گذاری کلان در آن، دخالت دولت را برای تأمین هزینه‌های لازم، ضروری می‌دانند (رامولد و همکاران، ۱۹۹۶: ۴).

1 Access
2 Withdrawal
3 Management
4 Exclusion
5 Alienation
6 Rømuld, Sandham, Vedled

نمودار (۱): چارچوب مفهومی برای بررسی مدیریت محلی منابع مشترک



منبع: نوردویک رازمونسن و مینزن - دیک، ۱۹۹۵ و (م. ب. م. آ، ۱۹۹۶: ۱۸)

برخی دیگر با توجه به توانایی‌ها و ناتوانی‌های اجتماعات محلی و کارگزاران دولتی، مدیریت تلفیقی^۱، یعنی تقسیم وظایف و مسئولیت بین دولت و گروه ذینفع را برای مدیریت دارایی‌های جمعی مناسب می‌دانند (سیکساز^۲ ۲۰۰۰؛ سینگلتون^۳، ۲۰۰۰)، زیرا با وجود توانایی نظام مدیریت جمعی در حل بسیاری از مسائل، امکانات و توانایی‌های اجتماعات محلی برای مدیریت جامع منابع، به ویژه حفظ جنبه‌های زیست‌محیطی و پایداری آن کافی نیست. برای مدیریت جامع منابع مذکور، به اطلاعات و امکاناتی نیاز است که فقط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، قادر به تدارک آنها هستند. واگذاری مسئولیت امور به افراد خاص، نه تنها بقیه افراد را از قبول آن مسئولیت‌ها مبرا می‌کند، بلکه دیگران را نیز وامی‌دارد که از دخالت در آن پرهیز کنند. به عبارت دیگر، واگذاری برخی مسئولیت‌های اجتماعی به متولیان، به معنی محدود کردن یا حتی ممنوعیت دخالت سایر افراد جامعه است (بیبی، ۱۳۸۴: ۵۹۰). افزایش ارتباط با بازار یا تجاری شدن، آثار متناقضی دارد. افزایش ارزش منابع، ممکن

1 Co management
2 Seixas
3 Singleton

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

است ذینفعان را ترغیب کند که برای حفظ و مدیریت پایدار آن تلاش کنند. بر عکس، ممکن است موجب استفاده بی‌رویه و افراطی از آن شود (ناکث و مینزن - دیک، ۲۰۰۱: ۱۷-۱۸).

روش پژوهش

برای گردآوری داده‌ها و تحلیل و تبیین مسئله، روش پژوهش کیفی مورد استفاده قرار گرفت. برای تولید اطلاعات نزدیک به واقعیت از داده‌های کیفی باید آن‌ها را با روش‌های کیفی و در محیط طبیعی مشاهده و بررسی کرد. از این‌رو، برای جمع‌آوری داده، علاوه بر مشاهده میدان، از مصاحبه‌های عمقی و بحث‌های گروهی استفاده شد. در این روش، داده‌های گردآوری شده باید به شکلی در بیاید که برای تحلیل مناسب باشد. برای این کار، از "فنون تقلیل داده‌ها" استفاده گردید. فعالیت اصلی در تحلیل داده‌های کیفی، شکل خاصی از کدگذاری و طبقه‌بندی است تا هم توصیف را آسان کند و هم امکان تحلیل و خلق نظریه را فراهم کند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۰۹-۳۱۱؛ دوورژه، ۱۳۷۵: ۲۶۹ و ۲۷۵-۲۷۸).

در پژوهش حاضر، روستاهای بخش فریدون‌کنار در استان مازندران بررسی شد. بر اساس آخرین آمار رسمی (سرشماری ۱۳۸۵) در دو دهستان امامزاده عبدالله و باریک‌رود، ۵۴۰۰ خانوار ساکن هستند. برای کسب اطلاعات دقیق که ویژگی پژوهش کیفی است، انتخاب افراد برای مصاحبه یا مشاهده رفتار آن‌ها در میدان پژوهش، اجتناب‌ناپذیر است. برای انتخاب روستاها و افراد، از روش نمونه‌گیری رایج در پژوهش‌های کیفی، یعنی نمونه‌گیری نظری استفاده گردید. در این روش، هدف فهم عمیق موارد و توسعه چهارچوب تحلیلی و مفاهیم مورد نظر است. اولین مورد یا موارد، بر اساس مقاصد نظری انتخاب می‌گردد و موارد بعدی، در طول زمان انجام پژوهش افزوده می‌شود (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۷) تا جایی که "اشباع نظری" حاصل شود، یعنی جایی که پژوهشگر متوجه گردد که با افزایش نمونه‌ها، چیز جدیدی کشف نخواهد کرد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۸). با توجه به موضوع بررسی، مهم‌ترین ویژگی این منابع، عبارت است از تعداد حقه‌داران و نسبت آن به کل اهالی، و نوع و تعداد محصول. بر این اساس، چهار روستا را انتخاب کردیم که آبندهای آن‌ها از این نظر متنوع بودند. در جدول (۱)، مهم‌ترین ویژگی منابع در چهار روستای مذکور، بیان شده است.

توسعه روستایی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱

جدول (۱): ویژگی آبنندانها در روستاهای مورد بررسی

ردیف	روستا	ذیفغان (حقابه داران)	محصول
۱	بزرگ بیشه محله	کم	آب
۲	بی‌نمد	کم	آب و سایر*
۳	مهلان	زیاد	آب
۴	منقار پی	زیاد	آب و سایر

* سایر محصولات، ماهی و پرندگان مهاجر است.

جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با چهار دسته از روستاییان صورت گرفت که به طور مستقیم یا غیرمستقیم با این مسائل در ارتباط بودند. در کل با چهل نفر از گروه‌های مختلف مصاحبه کردیم. علاوه بر این، برای تکمیل داده‌ها هرگاه فرصتی پیش می‌آمد، مصاحبه گروهی برگزار می‌شد، به این نحو که با دور هم جمع شدن اتفاقی چند نفر از اهالی، موضوع بحث به مسئله پژوهش هدایت می‌شد.

جدول (۲): افراد انتخاب شده برای مصاحبه

روستا	منتفدان	اعضای شورا	ذیفغان کامل	ذیفغان ناقص	جمع
۱	۲	۲	۳	۳	۱۰
۲	۲	۲	۳	۳	۱۰
۳	۲	۲	۳	۳	۱۰
۴	۲	۲	۳	۳	۱۰
جمع	۸	۸	۱۲	۱۲	۴۰

یافته‌های پژوهش

در فرایند پژوهش، مشخص شد که از بین چهار عامل تعیین شده در چارچوب نظری، یک عامل (دولت / کارگزاران دولتی) به سایر عوامل، برتری مطلق دارد. عامل دولت، سایر عوامل (خصوصیات فیزیکی منابع و خصوصیات اجتماعی روستاها) را کم‌اهمیت و حتی خنثی کرده است، به نحوی که در اغلب روستاها با وجود اهمیت این منابع برای کشت برنج و نیز وجود تفاوت‌های آشکار در خصوصیات منابع مذکور و ویژگی‌های جامعه‌شناختی روستاها، آبنندانها را اجاره دادند. بنابراین، برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله، به جای تشریح عوامل یادشده، صرفاً خلاصه‌ای از یافته‌ها در قالب جدول بیان می‌شود.

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

خصوصیات فیزیکی

جدول (۲): خصوصیات فیزیکی آبندهای روستاهای مورد بررسی

روستا	وسعت زمین‌های روستا	وسعت (هکتار)	حوضه آبریز	خصوصیات آبندها		
				مزارع دارای حقبه (درصد)	محصول	موقعیت نسبت به مزارع
بزرگ‌بیشه محله	۲۳۰	۲۴	۵۰	آب	خیلی پرت	غیرمشرف
بی‌نمد	۱۸۰	۳۲	۵۴	آب	نزدیک	غیرمشرف
مهلان	۳۶۰	۳۲	۲۴۰	آب/ماهی/پرنده	پرت	مشرف
منقار پی	۱۸۰	۱۸	۱۶۰	آب/ماهی/پرنده	نزدیک	مشرف

خصوصیات اجتماعی روستاها

در اینجا هدف تبدیل مفاهیم کیفی به شاخص رتبه‌ای یا فاصله‌ای نیست، بلکه صرفاً خلاصه کردن مفاهیم برای ارائه تصویری کلی از آنها است.

جدول (۳): خصوصیات اجتماعی روستاهای مورد بررسی

روستا	تعداد خانوار	تجانس گروهی	وابستگی به منبع	ثبات اجتماعی	آگاهی به منبع	سرمایه اجتماعی
بزرگ‌بیشه محله	۲۹۴	خیلی کم	کم	متوسط	کم	کم
بی‌نمد	۱۶۴	زیاد	کم	خوب	متوسط	زیاد
مهلان	۴۰۰	کم	خیلی زیاد	خوب	زیاد	متوسط
منقار پی	۱۱۵	خیلی زیاد	زیاد	کم	زیاد	زیاد

تمهیدات سازمانی و روش تصمیم‌گیری

حقوق مالکیت آب و آبندها: همان‌طور که بیان شد، تمهیدات سازمانی و روش تصمیم‌گیری، در حقوق مالکیت نمود می‌یابد، بنابراین، در اینجا این موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس فقه شیعه، زمین‌های موات، جنگل‌ها، آب‌ها، معادن، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، کوه‌ها، دریاها، نزارها و بیشه‌های طبیعی، مراتع و اموال ارثی که وارث ندارد، اموالی که مالکیت معین ندارد، در مالکیت امام و دولت اسلامی است. این اصل فقهی در قوانین مختلف منعکس شده است. بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، منابع آبی (شامل سدها، شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رودخانه‌ها، نهرها و سایر منابع آبی) در مالکیت دولت قرار دارد. بر اساس اصل ۴۵ قانون یادشده نیز انفال و ثروت‌های عمومی، از قبیل زمین‌های موات یا رها شده، از جمله جنگل‌ها، نزارها و بیشه‌های طبیعی در اختیار حکومت اسلامی است. بر اساس مواد (۲۷)، (۱۴۱) و (۱۴۳) قانون مدنی، افراد می‌توانند با احیاء اراضی موات یا مباحه (به اراضی گفته می‌شود که صاحب آن مشخص نباشد) به تملک یا استفاده از آنها بپردازند. بسیاری از افراد بی‌توجه به حقوق

سایر ذینفعان، آبیندانها را زمین‌های موات محسوب می‌کنند. برخی افراد، به ویژه اشخاصی که مزرعه یا ملک آن‌ها در اطراف و حاشیه این منابع قرار دارد، آن را به زمین خود الحاق و به اصطلاح "آباد" می‌کنند و به توجیه کار خود به لحاظ شرعی می‌پردازند. سایر افراد در اغلب موارد، اعتنایی به این مسئله ندارند، مگر اینکه دست‌اندازی، بیش از حد و غیر قابل اغماض باشد.

خلاء قانونی در مورد سازمان‌های دولتی نیز وجود دارد. برای مثال، بر اساس ماده (۱) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست (مصوب ۲۸ خرداد ۱۳۵۳ و اصلاحیه آن ۱۳۷۱/۸/۲۴)، حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود و نیز کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبریان آب‌های داخلی، از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست است. اما در تبصره (۱) آن تصریح شده که «شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت‌های سهامی شیلات جنوب، به موجب قوانین و مقررات مربوط به خود عمل خواهند کرد». پیچیده بودن حقوق مالکیت این منابع و کارکردهای متعدد آن‌ها موجب شده است که سازمان‌های مختلف، ادعای متولی بودن آن را مطرح کنند. سازمان‌های مذکور، عبارت است از: سازمان جنگل‌ها (به دلیل وجود درخت و درختچه‌های جنگلی در داخل و اطراف این منابع)؛ سازمان محیط زیست (به دلیل ارزش‌های بوم‌شناختی و زیستگاه انواع پرندگان، آبریان و پناهگاه گونه‌های مهاجر)؛ سازمان آب (وزارت نیرو)؛ شیلات، متولیان بخش کشاورزی و در کنار سازمان‌های مذکور، کشاورزان و روستاییان (خراسانی، ۱۳۷۲: ۳۷ - ۳۸).

در قوانین توسعه نیز منابع مذکور مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس مفاد مواد (۳۲) و (۱۰۶) قانون برنامه سوم توسعه، دولت موظف است که سالانه بودجه‌ای را به منظور «اجرای طرح‌های آب و خاک کشاورزی پیش‌بینی کند و در اختیار بانک کشاورزی قرار دهد و بانک مزبور به سرمایه‌گذاری‌های دارای توجیه فنی و اقتصادی، تسهیلات اعطا کند». بر اساس گزارش سازمان شیلات و سازمان مدیریت برنامه‌ریزی استان مازندران، در این چارچوب تا پایان سال ۱۳۸۵، یازده هزار هکتار از هفده هزار هکتار از آبیندان‌های استان "با همکاری بخش خصوصی" لایروبی و بهسازی شد و به پرورش ماهی اختصاص یافت (سازمان شیلات استان مازندران). در این میان، مسئله آب و تأمین آب زراعی مزارع برنج که کارکرد اصلی این منابع محسوب می‌شود، عمده‌اً یا سهواً نادیده گرفته شده و به کارکرد فرعی تبدیل گردیده است.

۱ در مازندران تسطیح زمین بایر، قطع کردن درختان جنگل و بیشه و تبدیل آن به مزرعه یا سکونتگاه "آباد کردن" خوانده می‌شود.

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

تصمیم‌گیران و مدیران روستا: تصمیم‌گیران و مدیران اجرایی روستا، به طور رسمی اعضای شورای اسلامی هستند. اما افراد مذکور، تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متنفذان روستا و دسته‌بندی‌های فامیلی و گروهی قرار دارند. تصمیم‌گیری و تعیین شیوه اجرای کارهای مختلف، در فرایندی شکل می‌گیرد که حداقل سه نیرو در آن نقش دارند. نیروهای مذکور عبارت است از: (۱) اعضای شورا به عنوان نماینده دولت؛ (۲) متنفذان به عنوان نماینده روح جمعی روستا و (۳) گروه‌های ذینفع. گروه چهارمی نیز به نام جمعیت خاموش وجود دارد که اغلب با امتناع از کنش، صرفاً ناظر اوضاع است و فقط در شرایط خاص، واکنش نشان می‌دهد.

مسائلی مربوط به روستا را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد که عبارت است از: (۱) اموری که به اجرای دستورالعمل‌های اداره‌های حکومتی مربوط است. مسئولیت موارد مذکور، بر عهده شورای اسلامی است. (۲) اموری که به دلایل مختلف، به دستگاه‌های دولتی مرتبط نیست، برای مثال، لایروبی نهر یا بهسازی راه کشاورزی. در حوزه‌های فوق، نقش متنفذان و اعضای شورا از اهمیت بیشتری برخوردار است. عملکرد شورا در مورد دسته اول، به طور مستقیم تحت تأثیر شرح وظایف و اختیاراتی است که دولت مشخص کرده است. طالب وظایف قانونی شورا را به چهار دسته (تصمیم‌گیری، اجرایی، نظارتی و تشویقی) تقسیم کرده و بیان کرده است که در عمل چنین نیست، بلکه شورا صرفاً مجری و ناظر تصمیم‌های سازمان‌های دولتی است (طالب، ۱۳۸۹: ۹۷-۱۰۱). شورای اسلامی علاوه بر اینکه رابط اهالی روستا با اداره‌های دولتی مانند مراکز خدمات، سازمان کشاورزی، شیلات و غیره است، باید به ایجاد روحیه همکاری میان مردم و جذب همکاری و همفکری روستاییان در امور داخلی و سازماندهی امور جمعی نیز بپردازد.

شیوه تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری در روستاها، به طور رسمی بر عهده اعضای شوراها است، اما بسیاری از تصمیم‌ها، بدون مشارکت "متنفذان" مشروعیت نمی‌یابد. در روستاهای مورد بررسی، روش تصمیم‌گیری مسائل جمعی، مشابه است. به این معنی که نوعی نمایندگی برای تصمیم‌گیری‌ها وجود دارد. افرادی که در تصمیم‌گیری‌ها شرکت می‌کنند، نماینده گروه‌های فامیلی، گروه‌های ذینفع، گروه‌های فکری و غیره محسوب می‌شوند. انتخاب نمایندگان به شکل محسوس و مرسوم انجام نمی‌شود. برخی افراد، خودخواسته و بدون رضایت و حتی هماهنگی با گروه مورد نظر، از جانب آن‌ها اظهار نظر می‌کنند. تصمیم‌گیری در مورد امری خاص، بدین صورت است که با اعلام قبلی و دعوت از همه اهالی، جلسه‌ای - معمولاً در مسجد روستا - اغلب با حضور نمایندگان گروه‌های مختلف برگزار می‌شود. بعد از تصمیم‌گیری، شرکت‌کنندگان خبر مربوط به آن را در بین اهالی روستا پخش می‌کنند و بدین ترتیب، همه از آن مطلع

می‌شوند. در مورد اجاره آبنندان در هر چهار روستای مورد بررسی، به همین نحو تصمیم‌گیری شده است. هر چند همان طور که در ذیل تشریح می‌شود، دولت تصمیم‌گیرنده اصلی در این حوزه بوده است. روستاییان فقط مجاز به انتخاب مستأجر(ان) بودند.

عوامل بیرونی

نوع رابطه دولت و روستاییان: پژوهشگران ایرانی، حضور دولت را یکی از عوامل توسعه‌نیافتگی می‌دانند. طالب استدلال کرده است که سیاست‌های اجرا شده توسط دولت‌ها، در دوران بعد از اصلاحات ارضی، موجب سلب اعتماد به نفس و خودمختاری روستاییان شده است (طالب، ۱۳۸۴: ۱۰). از دهه ۱۳۴۰، به دلیل افزایش درآمد نفتی، مازاد کشاورزی که «منبع اصلی استقلال مالی و قدرت دولت‌های ایرانی» بود، اهمیت خود را از دست داد و درآمدهای نفتی، جایگزین آن گردید (کاتوزیان، ۱۳۷۹: ۳۵۳). در دوره مذکور، رابطه کارگزاران دولتی و روستاییان، متعادل و برابر نیست. دولت در مقام اهداءکننده و توزیع‌کننده مزایای مختلف، برنامه‌ریز و سیاست‌گذار با توانایی و امکانات نامحدود در بالا، و روستاییان در مقام پذیرنده هدایای دولتی، در پایین هرم رابطه قدرت قرار دارند. به همین دلیل، روستاییان به ویژه مدیران تلاش می‌کنند به هر شکل ممکن، رضایت کارمندان دولتی را فراهم کنند. زیرا تجربه نشان داده است که جذب رضایت دوباره آن‌ها، بسیار دشوار و گاهی غیرممکن است.

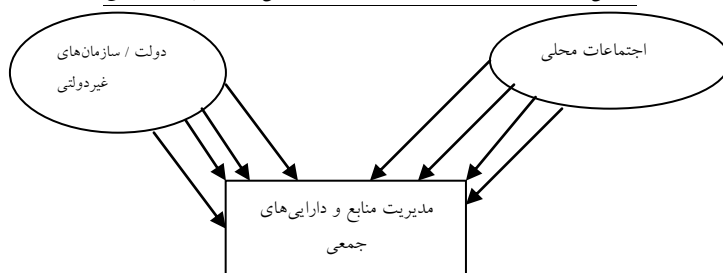
دخالت دولت در مدیریت آبنندان، به مدیریت تلفیقی نزدیک است. در این نوع مدیریت، رابطه میان دولت/سازمان‌های غیردولتی و اجتماعات محلی، متعادل است و هیچ یک، نسبت به دیگری برتری ندارد. این رابطه را می‌توان در شکل (۱) نشان داد. هر یک از پیکان‌ها، نشانه وظایفی است که هر یک از دو طرف بر عهده می‌گیرند. اما اجاره آبنندان‌ها، شکل ناقص^۱ (سقط شده) این نوع مدیریت است. زیرا همان طور که بیان شد، آبنندان زیست‌بوم خاصی بود و تمام اجزای آن، یعنی گیاهان، جانوران، آب و انسان در تعادل بودند. علاوه بر این، مدیریت بسیاری از این منابع، به لحاظ اجتماعی - اقتصادی نیز کارا بود و اجتماعات روستایی، با آن‌ها رابطه ارگانیک و روزمره داشتند. با دخالت بخشی از دولت (سازمان شیلات) بهره‌برداری آن به سمتی خاص (پرورش ماهی) هدایت شد. در این روند، تعادل زیستی آن، به نفع گونه‌های خاصی از جانوران (چند نوع ماهی) تغییر کرد و سایر گونه‌های گیاهی و جانوری، محدود یا نابود شد و تعادل اجتماعی - اقتصادی آن نیز از بین رفت و مدیریت آن، فراموش یا کم‌اهمیت گردید. گرچه قبلاً در برخی موارد، تعادل بی‌ثبات و مدیریت ناکارا بود و برخی افراد و گروه‌ها بیشتر سود می‌بردند، اما وضعیت حاضر،

1 Deformed, malformed

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

ناکارا تر است، زیرا مهم‌ترین کارکرد آن، (تأمین آب زراعی) در سایه فعالیت جنبی (پرورش ماهی) قرار گرفت. نکته مهم‌تر اینکه تعداد افرادی که در حال حاضر از این منبع نفع می‌برند، بسیار کمتر از قبل است.

شکل (۱): رابطه میان دولت و اجتماعات محل در مدیریت تلفیقی



روند تجاری شدن: تجاری شدن^۱ کشاورزی، به معنی رو آوردن کشاورزان به کشت محصولات فروشی^۲ است. در نظام کشاورزی تجاری، تولید به منظور عرضه در بازار، نه برای مصرف، انجام می‌شود. «وقتی یک اقتصاد به درجه‌ای از رشد رسید، پس آنگاه می‌تواند بخشی از منابع تولیدی (مثل زمین و نیروی کار) را از تولید مواد غذایی خارج کرده و به تولید فرآورده‌هایی که بلافاصله و مستقیماً توسط تولیدکننده مصرف نمی‌شود، اختصاص دهد» (سیف، ۱۳۷۳: ۲۰۴). با تجاری شدن کشاورزی، اقتصاد معیشتی جای خود را به اقتصاد بازاری می‌دهد و مصرف‌گرایی رشد می‌کند. پس از پایان جنگ ایران و عراق و به ویژه با اجرای برنامه تعدیل ساختاری در دهه ۱۳۷۰، الگوی مصرف تغییر فراوانی یافت (رزاقی، ۱۳۸۱: ۲۸۰-۲۸۲ و مؤمنی، ۱۳۸۶: ۲۲۵-۲۴۷). جامعه روستایی ایران نیز تحت تأثیر فرایند مذکور قرار گرفت. روستاها در دو، سه دهه اخیر، دچار دگرگونی ساختاری وسیعی شده که در نتیجه آن، بسیاری از حوزه‌های زندگی اجتماعی-اقتصادی دچار تحول شده است. یکی از نمودهای این دگرگونی، رشد مصرف‌گرایی است.

اقتصاد اغلب روستاهای منطقه مورد بررسی، بر کشت برنج استوار است و تولید برای عرضه به بازار انجام می‌شود. در دهه ۱۳۷۰، روستاییان باغ‌های میوه، سبزی و صیفی را به شالیزار تبدیل کردند. در نتیجه، اکنون بخش فراوانی از نیاز خانوار از بازار تأمین می‌شود. وجود نقدینگی در جامعه (که از راه فروش برنج، اشتغال در بخش‌های دیگر و اخذ وام از نظام بانکی حاصل می‌شود) انجام انفرادی کارهایی را آسان‌تر کرده است که قبل از این، فقط به طور جمعی انجام می‌شد. این امر، فردگرایی و امکان امتناع از کنش جمعی را تشدید کرد و نیز موجب شد که افراد تا حد ممکن از هزینه‌های اجتماعی کنش جمعی امتناع کنند.

1 Commercialization

2 Cash crops

تحلیل دوراهی‌های اجتماعی

تعیین سطوح کنش و مشارکت: همان طور که در بحث درباره حقوق مالکیت بیان شد، حقوق مالکیت مفهومی پیچیده است و در عین حال، سلسله‌مراتبی از حقوق مختلف، از حقوق کامل تا حقوق بسیار جزئی را شامل می‌شود. آبنندان به همه اهالی روستا تعلق دارد، اما، فقط برخی افراد و در واقع، برخی از زمین‌های کشاورزی روستا از حقوق کامل - یعنی حقا به - برخوردارند و بر اساس عرف، همه نمی‌توانند در تمام مراحل تصمیم‌گیری در مورد این منابع مشارکت کنند. برای بررسی دوراهی اجتماعی، یعنی پاسخ به این پرسش که افراد در موقعیت‌های مختلف، بین انتخاب نفع فردی و جمعی، کدام استراتژی (همکاری یا عدم همکاری) را انتخاب می‌کنند؟ و آیا در کنش‌های جمعی مشارکت می‌کنند؟ ابتدا باید سطح کنشی مشخص شود که بر اساس آن، افراد و گروه‌های مختلف، مجاز به مشارکت و دخالت هستند. سطح کنش مجاز، هم از نظر عامل یا کنشگر و هم از نظر جامعه‌ای مطرح است که کنش در چارچوب آن صورت می‌گیرد. سطوح کنش در موضوع مورد بررسی ما، سه دسته است: تصمیم‌گیری، اجراء و نظارت که مهم‌ترین سطح، تصمیم‌گیری است.

سطح تصمیم‌گیری: گرچه به لحاظ نظری، کنش تک تک افراد در سطح تصمیم‌گیری، برای مدیریت جمعی لازم و مفید است و موجب مشروعیت تصمیم‌ها و در نتیجه، موفقیت گروه در سازماندهی و مدیریت می‌شود، اما در عمل، این امر حتی در گروه‌های کوچک نیز غیرممکن است. در روستاهای مورد بررسی، نوعی نمایندگی برای تصمیم‌گیری وجود دارد. تصمیم‌گیران نماینده گروه فامیلی، گروه‌های ذینفع، گروه‌های فکری و نظیر آن محسوب می‌شوند. انتخاب افراد مذکور به عنوان نماینده، نه در فرایند رأی‌گیری مرسوم، بلکه در سازوکاری غیررسمی و فرایندی ضمنی و پنهان انجام می‌شود. در مورد مدیریت آبنندان، دستورالعمل کلی مبنی بر اینکه منابع مذکور باید برای پرورش ماهی تجهیز و لایروبی شود، از سوی سازمان شیلات به روستاها ابلاغ گردید. هر روستا باید یک نفر یا گروهی متشکل از چند نفر را بعد از انعقاد قرارداد، به شیلات معرفی می‌کرد. اینجا یک طرف بازی، کارگزار دولتی و طرف دیگر، روستا است. در عمل، هیچ یک از روستاهای منطقه، از پذیرش این طرح امتناع نکردند، زیرا گزینه دیگری نداشتند. اما، برای اطلاع همه اهالی و جذب رضایت آن‌ها و نیز مشروعیت بخشیدن به اجرای دستورالعمل‌ها، موضوع در جلسات عمومی روستا مطرح شد. در این فرایند، روستاییان حق انتخاب نداشتند و به اصطلاح، در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتند. آن‌ها با محاسبه هزینه فرصت اجرا یا عدم اجرای طرح دولتی، بهترین گزینه - نفع تک تک افراد و روستا - را همراهی با کاغزاران دولت دیدند. رابطه

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

دولت و روستاییان در این روند، از بالا به پایین است. در این روند، کارگزار دولتی، هدفی جز اجرای دستورالعمل صادره نداشت. مدیران روستا به دنبال تحقق دو هدف بودند: رضایت دولت و حفظ انسجام روستا و رضایت اهالی.

سطح/اجراء: سطح دوم کنش در مدیریت آبنندان، سطح اجراء است. تعیین سازوکار اجرایی طرح تجهیز و اجاره، یعنی انتخاب سرمایه‌گذار(ان) و نحوه انعقاد قرارداد با آن‌ها و سایر امور مرتبط، به مدیران روستا محول شد. در این مرحله که می‌توان "تصمیم‌گیری در نحوه اجرای دستورالعمل دولتی" نامید، نهاد نمایندگی روستا، وارد عمل شد. آن‌ها با گزینه‌های مختلفی روبرو بودند که باید یکی را انتخاب می‌کردند. بررسی میزان و مدت قرارداد اجاره و شرایط جنبی در روستاها نشان می‌دهد که معیار دقیقاً مشخصی برای تعیین میزان اجاره وجود نداشت. عمده‌ترین چالش تصمیم‌گیران، انتخاب افراد متقاضی بود. وقتی پیشنهاددهنده‌ای از خود روستا وجود داشت، رقابت گروه‌های فامیلی برای کسب امتیاز از یکدیگر، مسئله را پیچیده و تصمیم‌گیری را مشکل می‌کرد. حساسیت موضوع موجب شد که در اکثر روستاها، از جمله سه روستای مورد بررسی، محدودیت‌هایی برای متقاضیان داخل روستا وضع گردد یا از ابتدا مقرر شود که فقط غریبه‌ها اجازه فعالیت دارند. فرایند اجاره، تقریباً شبیه مناقصه اجرا گردید. مدیران روستا و متقاضیان، هر یک شرایط خود را درباره نحوه لایروبی، تقسیم‌بندی منبع به قسمت‌های مختلف و نحوه برداشت آب توسط حقابه‌داران و گاهی وضع منبع در پایان دوره اجاره مطرح می‌کردند. در اکثر روستاها، مدت اجاره، ده سال تعیین شد. واگذاری حق اجراء به روستاییان و ذینفعان و مشارکت آن‌ها در فرایند تعیین شرایط اجاره، موجب گردید که اختلاف‌نظر و درگیری‌ها در مراحل بعد بسیار کم شود.

سطح نظارت: در اغلب روستاها، نظارت بر حسن اجرای تعهدات طرفین (عمدتاً مستأجر) مسکوت گذاشته شد، زیرا نظارت با هزینه همراه است و گروه‌های محلی تلاش می‌کنند که تعاملات اجتماعی با کمترین هزینه عملی گردد. ناظران واقعی در مورد نحوه عمل مستأجران به تعهدات یعنی ذینفعان کامل، در فصل کشت با کم‌آبی روبرو می‌شدند و تلاش می‌کردند از آب آبنندان استفاده کنند. موارد متعددی از عدم اجرای تعهدات، به ویژه امتناع از اجازه برداشت آب پیش آمد که مدیران روستا نادیده می‌گرفتند یا فقط به بیان تذکر بسنده می‌کردند. به دلیل بالا بودن "هزینه مبادله نظارت" افراد موضوع را نادیده می‌گرفتند یا به اجمال برگزار می‌کردند.

ساختار بازی در سطوح کنش: رابطه گروه‌های اجتماعی را می‌توان یک بازی تلقی کرد. برای درک بازی‌های اجتماعی، تفکیک و شناخت دو موضوع، ضروری است. اول، ساختاری که بازیگران عملاً در آن

قرار دارند، دوم، تصویری که هر یک از بازیگران، از ساختار بازی یا ترجیحات طرف مقابل دارند (بودون، ۱۳۷۰: ۴۹-۵۰).

ساختار بازی در سطح تصمیم‌گیری (دولت/روستا): در اینجا همکاری به معنی تعدیل خواست خود و پذیرش آرای طرف مقابل، و عدم همکاری به معنی پافشاری بر خواست خود است. راهبرد برتر کارگزاران دولتی، عدم همکاری است. زیرا ساختار اداری و سازوکار تصمیم‌گیری در اداره‌های دولتی، به آن‌ها اجازه دخل و تصرف را در دستورالعمل‌های صادر شده نمی‌دهد. علاوه بر این، اجرای دقیق و کامل برنامه‌ها، موفقیت آن محسوب می‌شود. بنابراین، ساختار بازی برای کارگزاران دولت، دوراهی شخص زندانی است. اما تصویری که کارگزاران از نظام ترجیحات روستاییان دارند، شبیه بازی جوجه است. یعنی روستاییان برنامه‌های دولتی را تمام و کمال می‌پذیرند، زیرا در صورت امتناع از پذیرش آن (عدم همکاری دوجانبه) هزینه برای روستاییان بسیار بالا است که برای ترمیم آن، صرف مدت زمانی طولانی لازم است و گاهی جبران‌ناپذیر است. روستاییان تصور می‌کنند که ساختار بازی آن‌ها بازی جوجه است، یعنی دقیقاً همان تصویری که کارگزاران از آن‌ها دارند. اما تصویری که روستاییان از نظام ترجیحات کارگزاران دولتی دارند، شبیه ساختار بازی تضمین است (که در آن دو طرف، از همکاری سود می‌برند). اما همان طور که بیان شد، کارگزاران دولتی نمی‌خواهند یا نمی‌توانند همکاری کنند. نوردویک رازمونسن و مینزن-دیک نشان داده‌اند که حتی در بازی تضمین نیز همکاری، راهبرد برتر نیست. در عمل نیز کارگزار دولتی از همکاری یک‌جانبه روستاییان، یعنی پذیرش کامل دستورالعمل‌ها بیشتر نفع می‌برد تا از همکاری دوجانبه. نتیجه این است که طرف دولتی، بدون توجه به خواست و اولویت‌های روستاییان و گنجاندن آن در برنامه، آرای خود را اعمال می‌کند.

ساختار بازی در سطح اجراء و نظارت: ساختار بازی در این سطح، دوراهی تکراری چندنفره است که بیش از دو بازیگر در آن حضور دارند. در یک طرف، متنفذان و اعضای شورا و در طرف دیگر، گروه‌های فامیلی عمده و ذینفع. اشتباه رایج در مورد بازی‌های چندنفره این است که ساختار همه آن‌ها، مانند ساختار بازی معمای زندانی تصور می‌شود. یعنی تصور می‌گردد که راهبرد برتر همه افراد، عدم مشارکت است و این خود به پیدایش تعادل ناکارآمدی می‌انجامد (کولاک، ۱۹۹۸: ۱۹۸) اگر چنین بود، هیچ وقت همکاری پدید نمی‌آمد. در عمل، ساختارهای مختلفی از بازی‌های چندنفره وجود دارد: بازی جوجه، بازی تضمین و البته بازی معمای زندانی. در بازی تضمین، افراد انگیزه سواری مجانی ندارند؛ در بازی جوجه، باید دید که کودن وجود دارد یا خیر؛ و همان طور که بیان شد، در بازی معمای زندانی،

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

انگیزه برای سواری مجانی وجود دارد. به اعتقاد کولاک، بازی تضمین برای تحلیل این نوع بازی، مناسبتر است. وی استدلال کرد که اصل در این بازی، اعتماد طرفین به یکدیگر است و راهبرد برتر هر یک از بازیگران، اعتماد است، در حالی که در معمای زندانی، راهبرد اصلی عدم همکاری است (کولاک، ۱۹۹۸: ۱۹۸). با وجود این، در این بازی نیز، نقطه تعادل ناکارآمد وجود دارد. زیرا در بازی تکراری، افراد بر اساس عملکرد گذشته طرف مقابل و بعد از حصول اعتماد، به بازی و همکاری ادامه می‌دهند. برای اجراء و نظارت بر اجاره آبنندان، جمع مذکور با هم در تولید کالای جمعی (اجرای دقیق مفاد قرارداد اجاره) و برای برخورداری از منافع مشترک آن، با یکدیگر همکاری یا رقابت می‌کنند. گروه‌های اجتماعی در بازی‌های تکراری، بر اساس تجارب خود عمل می‌کنند. آنها تلاش می‌کنند با حداقل هزینه و تنش، رفتار کنند. در نتیجه، در بیشتر مواقع از اجراء و نظارت دقیق خودداری شد. دلایل امتناع از کنش در این سطح، بسته به اینکه مستأجر(ان) از خود روستا باشند یا بیرون از آن، متفاوت است: اگر از خود روستا باشند، از سوی گروه‌های فامیلی حمایت می‌شوند. بنابراین، سایر گروه‌ها و افراد برای امتناع از تنش یا کاهش هزینه‌های مبادله با مسئله کنار می‌آیند. اما اگر مستأجر از بیرون باشد، دلایل اغماض و عدم نظارت کامل می‌تواند جلوگیری از بدنامی روستا نزد کارگزاران دولتی و سایر روستاها باشد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، تلاش کردیم که با استفاده از شاخه‌های مختلف نظریه انتخاب عقلایی، عوامل مؤثر بر مدیریت دارایی مشترک و نوع کنش روستاییان را توضیح دهیم. پیش‌فرض ما این بود که بازیگران اصلی در مدیریت منابع مذکور، گروه‌های مختلف داخل روستا هستند، اما دریافتیم که این بازی، فقط دو بازیگر دارد: دولت و روستا، و تصمیم‌گیرنده اصلی، دولت است.

یافته‌های بررسی حاضر نشان داد که در نیم دهه ۱۳۷۰، آبنندان‌ها مورد توجه دولت قرار گرفت. دولت این منابع را وسیله‌ای برای تحقق هدف برنامه‌هایش - ابتدا، برای تولید ماهی و سپس به منظور تأمین نقدینگی برای هزینه‌های عمومی و عمرانی داخل روستا - محسوب کرد.^۱ در نتیجه، زمینه برای تغییر مدیریت آبنندان‌ها که کم‌وبیش به صورت جمعی بود، تغییر کرد. ورود دولت در مقام تصمیم‌گیرنده، چنان

۱. تصور می‌شد مدیران روستا با کمبود نقدینگی روبرو هستند و جمع‌آوری پول از اهالی، بسیار مشکل است. بنابراین، می‌توانند درآمد حاصل از اجاره آبنندان‌ها را در این امور هزینه کنند. اما در عمل چنین نشد، چون حق اجاره در اغلب روستاها، سالانه حدود ۱۰۰ هزار تومان تعیین شده بود. این مبلغ، چندان ناچیز بود که عملاً مؤثر نبود. به همین دلیل در برخی از روستاها درباره هزینه این درآمد، گاه اختلاف نظر جدی پدید آمد.

مهم و تأثیرگذار بود که سایر عوامل کم‌اهمیت یا به طور کلی خنثی گردید. در چهار روستایی که مورد بررسی قرار گرفت- و به طور کلی در اغلب روستاهای مازندران- با وجود تفاوت‌های جامعه‌شناختی و نیز تفاوت‌های آشکار در ویژگی آبنندان‌ها- مدیریت این منابع، به بخش خصوصی واگذار شد.

در گذشته، تصمیم‌گیری برای تعیین کالای عمومی آبنندان‌ها، به نحو جمعی بود. کارگزاران دولت تصمیم گرفتند پیشنهاد هاردین درباره خصوصی کردن منابع مشترک را عملی کنند. در نتیجه، اغلب ذینفعان از دایره تصمیم‌گیری، خارج شدند. بنابراین، در پژوهش حاضر، بررسی نظریه منطبق کنش جمعی (اولسون) و انگیزه‌های هنجاری (کلمن) به ویژه در سطح تصمیم‌گیری که به برابری نسبی طرفین بازی و نیز دخالت فعالانه آن‌ها در فرایند بازی منوط است، میسر نیست. نکته مهم‌تر این است که زمینه برای تشکیل جمع دوراندیش (الیور و مارول) برای حل معمای تولید کالای جمعی (کولاک) فراهم نشد و چاره‌اندیشی محلی برای حل معمای مورد نظر کم‌اهمیت و در نهایت منتفی شد.

در چارچوب نظریه بازی می‌توان گفت که ورود دولت موجب شد که روستاییان در مدیریت منابع مشترک، به نحوی جدی تعامل نداشته باشند و انواع بازی‌های قابل تصور بین آن‌ها شکل نگیرد. در سطح تصمیم‌گیری فقط بازی دولت/ روستا شکل گرفت. تعامل روستاییان در سطوح دیگر را در قالب نظریه بازی تحلیل کردیم. اما این تعاملات جدی و تأثیرگذار نبود و موجب ایجاد تغییرات عمده‌ای نگردید. همچنان که در بالا استدلال کردیم، ذینفعان با محاسبه سود و زیان کنش، امتناع از کنش را ترجیح دادند و بر اجرای دقیق موارد مورد توافق پافشاری نکردند. اغلب ذینفعان منفعلانه یا فعالانه راهبرد انتظار را در پیش گرفتند. بدین معنی که ذینفعان کامل یا افرادی که در مسائل عمومی مشارکت می‌کنند، با نگاه به آینده، و سایر افراد به ناچار و بدون برنامه، سکوت اختیار کردند. به این امید که بعد از پایان مدت قرارداد، فرصت کنش و مشارکت فعال فراهم آید. نکته پایانی این است که اهمیت این منابع در زندگی روستایی و نامشخص بودن حقوق مالکیت آن، مدیریت و استفاده از آن در آینده نیز مسئله‌آور باقی خواهد ماند.

منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). توسعه روستایی: با تأکید بر توسعه روستایی ایران. تهران: نشر نی.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- به بی، ارل (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
- بودون، ریمون (۱۳۷۰). منطق اجتماعی، روش تحلیل مسایل اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گوهر. جاویدان.
- خراسانی، نعمت‌الله (۱۳۷۲). مطالعه زیست‌محیطی آبنندان‌های حوزه آبریز بابلرود. فصلنامه محیط‌زیست، ۳، ۳۸-۳۲.

بررسی عوامل اجتماعی و اقتصادی مؤثر در مدیریت جمعی منابع آب ...

- دورانت، ویل (۱۳۶۹). *تاریخ فلسفه*. ترجمه عباس زریاب خویی. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- دوورژه، موریس (۱۳۷۵). *روش‌های علوم اجتماعی*. ترجمه خسرو اسدی. تهران: امیرکبیر.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۱). *آشنایی با اقتصاد ایران*. تهران: نشر نی.
- روابط عمومی سازمان شیلات استان مازندران: www.shilat-maz.ir
- سیف، احمد (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم*. تهران: نشر چشمه.
- صفی نژاد، جواد (۱۳۶۸). *بنه (نظام‌های زراعی سنتی در ایران)*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- طالب، مهدی (۱۳۸۴). *سابقه مشارکت روستایی در ایران*. پلی کیبی انتشار نیافته.
- طالب، مهدی (۱۳۸۹). *مدیریت روستایی در ایران*. تهران: دانشگاه تهران.
- عربزاده، بهروز (۱۳۸۰). *بهبودسازی مصرف آب در شالیزار*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی بررسی راهکارهای مقابله با بحران آب، زابل، دانشگاه زابل. www.irncid.org
- فروغی، محمدعلی (۱۳۶۷). *سیر حکمت در اروپا*. تهران: انتشارات زوار.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری کاشانی. تهران: نشر نی.
- کمالی، کوروش و مهدیان، محمد حسین (۱۳۸۰). *احیاء آب‌بندان‌ها؛ راهکاری برای مقابله با بحران خشکسالی در مناطق شمالی کشور*. مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی بررسی راهکارهای مقابله با بحران آب، دانشگاه زابل
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). *تبیین در علوم اجتماعی: درآمدی به فلسفه علم/اجتماع*. ترجمه عبدالکریم سروش. صراط.
- مجرد، فیروز، قمرنیا، هوشمند و نصیری، شیدا (۱۳۸۴). *برآورد بارش مؤثر و نیاز آبی برای کشت برنج در جلگه مازندران*. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۵۴، ۵۹-۷۶.
- مؤمنی، فرشاد (۱۳۸۶). *اقتصاد ایران در دوران تعدیل ساختاری*. تهران: نقش و نگار.
- میزس، لودویک فان (۱۳۸۵). *در جست و جوی ارزش‌های مطلق*. ترجمه عزت‌الله فولادوند. نگاه نو، ۷۱.
- نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی روستایی*. تهران: چاپخش.
- هایلیرونر، رابرت. ال (۱۳۷۰). *بزرگان اقتصاد*. ترجمه دکتر احمد شمیسا، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۹). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: مرکز.
- واریان، هال (۱۳۸۰). *رویکردی جدید به اقتصاد خرد میانه*. ترجمه سید جواد پورمقیم، تهران: نشر نی.
- وثوقی، منصور و نیک‌خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: خردمند.
- ولکاک، مایکل و ناردیان، دیپا (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای توسعه نظریه توسعه، پژوهش و سیاستگذاری*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، در *سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)*. به کوشش کیان تاجبخش. تهران: شیرازه.

Adhikari, bhim (2001). *Literature review on the economics of common property resource*. Review of common pool resource in Tanzania (Report prepared for NRSP Project R 7857).

Bandiera, Oriana, Baranky, Iwan and Rasul, Imran (2005). *Cooperative in collective action*. www.iza.org/conference_file/boe2005/branky_12067.pdf

- Berks, F. (1989). *Common property resource: ecology and community- based sustainable development*. BHL Press: London. www.scholar.lib.vt.edu
- Cardenas, Juan- camilo and Ostrom, Elinor (2004). *What do people bring into the game: experiments in the field about cooperation in the commons*. CAPRI Working paper NO 32. www.capri.cgiar.org.
- Demsetz, Harold (1967). Toward a theory of property rights. *The American Economic Review*, 57(2), 347- 359.
- Hardin, Garret (1968). *The tragedy of the commons*, Science, 162.
- Howard, Philip (2002). *Reading summary for network organization, theory of collective action*. www.faculty.washington.edu/
- ICLARM (1996). *Analysis of Fisheries Co-Management Arrangement: A Research Framework*. www.ifm.dk/reports/21.pdf
- Kajisa, Kei, Palanisami, K. And Sakurai, Takeshi (2004). *Declines in the collective management of tank irrigation and their impact on income distribution and poverty in Tamil Nadu*. India. www.cigr-ejournal.tamu.edu.submission/
- Knox, Anna and Meinzen-Dick, Ruth (2001). *Collective action, property rights and devolution of natural resource management: Exchange of knowledge and implication for policy*. CAPRI Working paper NO 11 . www.capri.cgiar.org
- _____ (2004). Understanding collective action. in *collective action and property right for sustainable development*. meinzen- dick, ruth and S.Q Gregorio MDI (EDs). www.capri.cgiar.org
- Kollock, Peter (1998). Social dilemmas: The anatomy of cooperation. *Annual Review Sociology*. 24, 183- 214. www.annualreviews.org
- Makhanya, E. M. (2002). *The sustainability of rural systems under the communal property association act in south Africa*. The 10 TH annual conference of the IGU Commission for the sustainability of rural system. www.incn.org/themes/ceesp/publication/sl/
- Meinzen- Dick, Ruth, Digregorio, Monica and Mc carthy, Nancy (2004). *Method for studying collective action in rural development*. CAPRI Working paper NO 33. www.capri.cgiar.org
- Meinzen-Dick, Ruth and Pradhan, Rajendra (2000). *Legal pluralism and dynamic property rights*. CAPRI Working paper NO 22. www.capri.cgiar.org.
- Mikkelsen, Eirik (2005). *Rationality and collective decisions action*
- Nordvig, Rasmunssen, Iise and meinzen- dick, ruth (1995). *Local organization for natural resource management CAPRI*. Working paper NO 11. www.capri.cgiar.org.
- Oliver, Pamela and Marwell, Gerald (1988). *The paradox of group size in collective action: a theory of the critical mass*. 2.AJS. 53, 1 -8.
- Ostrom, Elinor (1995). *Governing the commons, the evolution of institutions for collective action*. Cambridge University press.
- Poteete, Amy and Ostrom Elinor (2003). *In pursuit of comparable concept and data about collective action*. CAPRI Working paper NO 29. www.capri.cgiar.org
- Rømuld, Astrid Lier, Sandham, Tom and Vedled, Paul (1996). *Management of communal property and sustainable land use among rural dwellers in Ciskei*. South Africa. www.nih.no/ior/publikasjoner.
- Seixas, Cristianas (2002). *State -property, communal- property or open- access? The case study of Ibiraguera lagoon*. Brazil. Paper to be presented at the 2000 IASCP Conference, Bloomington, IN, USA www.dlc.dlib.iniana.edu/archive.
- Singleton, Sara (2000). Cooperation or Capture? *The paradox of co-management and community participation in natural resource management and environment policy making*. www.oregonstat.edu.dept/lift/2000/papers/singleton
- Swallow, Brent, J Wangila, W Mulatu, O Okello and N McCarthy (1997). *Multiple functions of common property regimes*. EPTD Workshop summary paper NO 5. www.capri.cgiar.org
- Turocy, Theodore, L. and Von Stengel, Bernhard (2002). *Game theory, Encyclopedia of information system*. Academic Press.
- Voss, Thomas (2006). *Rational choice theory*, in: Austin Harrington et al (EDs) *Encyclopedia of social theory*. New York: Routledge.
- Werner, Raub (2006). *Game theory*, in: Austin Harrington et al (EDs) *Encyclopedia of social theory*. New York: Routledge.
- www.nfh.uit.no/dok/vitenskapsteori_paper
- www.sciencemag.org/science, 62